

زنان در افغانستان

(به مناسبت و موافقت هشتم مارچ (روز جهانی زن

نوشته کوتاه تقدیم به زنان افغانستان

خالد حسینی درباره کتاب خود میگوید : زانی زا در کشورم دیدم که همراه با وکودکان شان از کنار دیوار ها با شتاب عبور می کردند

زنان برقع پوشی که درست مثل خورشید در پس ابر میماندند : دوست داشتم بدانم در این سی افغانستان چه بر ان ها گذشته است همان بود که تصمیم گرفتم سال در مسیر تند باد سر نوشت داستانی درباره یی زنان سرزمینم بنویسم خورشید های تابانی که در پس برقع ها پنهان هستند "هزار خورشید تابان" ادای دینی به سرزمینم است

خالد حسینی در این کتاب درد زنان بی پناه و رنج دیده ی افغانستان را در ذهن مخاطب به تصویر کشیده است شخصیت ها در این زمان نماینده ی نوع هستند و فردیت چندانی نداند

زنانی که باید یک تنه در برابر تمام سختی ها و مشکلات زنده گی مبارزه کنند و دم نزنند

زنانی که در بسیاری موارد بخاطر زن بودن شان محاکمه میشوند زنانی که در پس حوادث از یاد برده اند و اموخته اند که زنده گی مبارزه با سختی ها روزگار زنانگی شان را به طور کامل و سکوت در برابر ستم و تاریکی هاست و هم چنان میگوید: من در این کتاب سعی کرده ام که تصویری از روز های سرد و بی پایان زنان کشورم را نشان دهم تا بتوانم به مردم کشورم و افرادی که این کتاب را به زبانهای مختلف مطالعه میکنند. نشان دهم که چه سختی و رنجی را ... زنان کشورم میکشند

رمان هزار خورشید تابان

این کتاب فوق العادهزیبا خلاصه ای از زنده گی بسیار سیاه و تیره و تار افغانی را بیان میکند که چگونه در کشور شان با آنها برخورد میشود

در سال های اخیر کشور افغانستان وضعیت مناسبی نداشته است و در این میان فاصله زنان بیشتر از هر شخص دیگری در این کشور ضربه دیده اند این کتاب دارای دو شخصیت اصلی میباشد . که هر دوی آنها زن هستند شخصیت اول یک زن به اسم مریم هست در واقع مریم

نمادی از زنان قشر ضعیف جامعه افغانستان میباشد که توسط پدراش از خانه رانده شده است

و شخصیت دوم نیز زن دیگری بنام لیلا میباشد لیلا دقیقا نقطه یی مقابل مریم است از یک خانواده روشن فکر در افغانستان این دو زن با اینکه شروع زنده گی شان به طور کامل با یکدیگر متفاوت میباشد ولی در طول داستان دچار آینده مشابه میشوند و صحنه های بسیار جالبی را به وجود می آورند که خواننده جذب داستان داستان همین دو زن میشوند

خلاصه ای از کتاب هزار خورشید تابان

همان طوری که گفتیم رمان زیبایی هزار خورشید تابان دارای دو شخصیت اصلی میباشد که در کنار یکدیگر روایتی از زنان کشور افغانستان را بیان میکنند

داستان این کتاب به این شکل میباشد که ابتدا مریم بعد از مرگ مادرش توسط پدرش عقد یک مشکلات بسیار زیاد را در خانه این مرد مسن تحمل میکند مرد مسن در میاید و بعد از ازدواج

درست زمانی که دیگر امیدی به زنده گی ندارد لیلا وارد خانه این مرد میشود و به عنوان هم خانه ای لیلا معرفی میشود

لیلا فرزند یک خانواده روشن فکر بود ولی در عصر برخورد موشک به خانه آنها بفرنوشت او را وارد این داستان کرده است

بعد از وارد شدن لیلا به زنده گی مریم امید به زنده گی بیشتر پیدا میکند و از این پس تمام تلا شش را میکند تا بتواند لیلا را از سر نوشتی که برای او نوشته شده است و او را از چنگال این مرد مسن بردارند

در ادامه داستان شما میتوانید تلاش های مریم برای نجات زنده گی لیلا میکند را مطالعه کنید

تلاش های که نشان دهنده نقش مادری مریم برای لیلا میباشد زنان و تاریخ افغانستان دو مضمون اصلی رمان هزار خورشید تابان هستند سرگذشت محنت بار دو زن و رنج آنها در اوج نارامی سیاسی افغانستان مضمون اصلی کتاب هزار خورشید تابان است

این کتاب تصویری از جامعه سنتی و مردسالار افغانستان در اختیار خواننده گان قرار میدهند بدون اینکه به شکل کلیشه ای و یک جانبه روایتی سراسر سیاه مردان و سراسر سفید از زنان ارایه دهد چنین کاری در کشوری که (سهم یک زن در کابل کمتر از یک گربه خانگی است) دشوار مینماید عنصر دوستی نا متعارف میان دو (هوو) یا به بیان افغان ها (هم باغ) یکی از درون مایه های اصلی این کتاب است که ساختار آن را شکل داده است



: نتیجه گیری

این داستان نشان دهنده زنده گی بیشتر زنان و دختران افغانستان است که خیلی درد دیدند و از طفلیت ارزو های شان از بین میرود

حق تحصیل از آنها گرفته میشود و به اجبار مجبور به قبول کردن یک شخص مسن میشوند و این باعث تباهی زنده گی شان میشوند خیلی فامیل ها هستند که دختر را ننگ دانسته . و دختر را منحیث یک موجودی که باعث شرمنده گی شان میشود میندارند همین که دختر نو جوان میشود بدون فکر کردن به اینکه جانب مقابل از فامیل خوب است ؟

ایا دخترم راحت میباشد ؟

و بدون در نظر گرفتن اینکه سن مرد بزرگ است خیلی دختران شان را به شوهر میدهند بیشتر دختران در جامعه امروزی مان از تحصیل محروم هستند چون از نظر فامیل های شان دختر باید . کارخانه را یاد بگیرد دختر نباید تحصیل کند

دختر را یک موجود ضعیف میدانند و همین که دختر بزرگ میشود هر چه عاجل بدون در نظر گرفتن و شناخت جانب مقابل باید ازدواج کند و بیشتر دختران به دلیل سن خورد بعد از ازدواج در زمان تولد طفل شان از بین میروند اگر در خانه پدر است ظلم برادر و حرف های نیش دار پدر و مادر را باید بشنود و اگر در خانه شوهر است باید ظلم شوهر و فامیل شوهر جنجال اولاد و حتی خشونت ولت و کوب شوهر را تحمل کند بیشتر زنان افغانستان در همین شرایط . قرار دارند .

رمان هزار خئرشید تابان رمانی است که زنده گی اکثریت زنان افغانستان و از بین و از بین رفتن ارزو و نداشتن حق تحصیل دختران را نشان میدهد و ظلم شوهر ازدواج اجباری و از دواج با یک شخص مسن و دختری که از طفلیت با درد های زنده گی مشکلات زنده گی بزرگ میشود و بعد از دست دادن مادرش و ادار به ازدواج با یک شخص مسن میشود

: را نشان میدهند

مریم دختر ساده و پاک دل زنده گی اش باز تاپ دهنده زنده گی بیشتر زنان افغانستان است که حتی نمی دانستند با چگونه یک شخص ازدواج کرده و وقتی به چهره اش نگاهی میکردند میرسیدند

: منابع

- (هزار خورشید تابان تهران : ثالث 1386 حسینی خالد (: 1
- (افغانستان در پنج قرن اخیر قم :مطبوعاتی 1371 فرهنگ میر محمد صدیق (: 2
اسمالین
- (به تاریخ سیاسی افغانستان چاپ دوم قم : احسانی 1371 فرغ سید مهدی (: 3

4 : <https://www.awna.af>

" محرر : " قدسیه ابراهیمی

((محصل فاکولته حقوق و علوم سیاسی (پوهنتون کابل